



# رهائی

دوره سوم شماره ۱  
دی ماه ۱۳۶۱

## وضعیت کنونی و انتشار مجدد رهائی

قریب به یک سال از انتشار آخرین شماره رهائی (۱۱۱) می‌گذرد. آن چه در این یک سال بر جامعه و بر جنبش چپ گذشت آن قدر عظیم و وسیع بود که گرافه نخواهد بود اگر بگوئیم هضم و تحلیلی آن سال‌های سال طول می‌کشد. و ریشخند آمیز این است که درست در دوران سرعت توفانی تحولات و رویدادها که سازمان‌های سیاسی باید فعال‌ترین دوران خود را در ترویج و تبلیغ و سازمان دهی بگذرانند، کفاره گناهان گذشته آن‌ها به صورت دور تسلسلی از عواقب نامطلوب - انفعال، فرار، شکوه و اعدام - گریبان همه را گرفت. و این علاوه بر ورود تراژدی فی نفسه، از لحاظ حلوسکبری از فعالیت‌های روشنگرانه این سازمان‌ها در میان توده‌های مردم، عمق تراژدی را مضاعف کرد، و دامنه آن هیچ حد و مرزی را به رسمیت نشناخت و خشک و تر را باهم سوزاند. امری که تا حدودی گریبان‌گیر ما نیز بوده است.

اکنون ما و سایر سازمان‌های چپ به سهولت از عدم بروز پدیده‌ئی که همه، به جا و نا به جا، انتظارش را می‌کشیدیم - جنبش توده‌ئی - هر یک برای خود توصیحات و شاید توجیهاتی داریم، و این را حداقل به خود و به مردم مدیون هستیم که توضیح دهیم چه شد، چرا چنین شد، و چرا چنان نشد. و بالاخره اگر بتوانیم جواب‌ها را پیدا کنیم - که دلیلی ندارد با این همه تجربه نتوانیم - به آن جا برسیم که چه کنیم و از کجا دوباره آغاز کنیم. شاید این بار - و بگوئیم که بگوئیم باید این بار - هنگامی که دور جدید حوادث و رویدادها آغاز می‌شود، این ما باشیم که در کنار توده‌ئی که تجربه حکومت اسلامی را با پوست و گوشت لمس کرده‌اند، سرود رهائی بخوانیم. رهائی از جهل، از ظلم، از استثمار، با آن که معتقد نیستیم که همواره و در هر شرایط مسائل اقتصادی تنها عامل تعیین کننده است، ولی از آن جا که آن را پاشنه آشیل مناسبات سرمایه داری می‌دانیم، بی مناسبت نمی‌دانیم که پس از دوران توقف یک ساله فعالیت‌های ترویجی - انتشاراتی، وضع اقتصادی رژیم اسلامی را بررسی کنیم و، در کنار آن، به ابتدای دوم حکومت اسلامی (یعنی جنگ) که پای دیگرش را در گسل فرو برده است، بپردازیم. هم اکنون طرحی از یک جمع بندی در مورد حوادث گذشته و رهنمودهایی برای آینده بسرای مطالعه و اظهار نظر همه، رفا در سازمان در دستور کار است که پس از تصحیح و تکمیل در شماره‌های بعدی منتشر خواهد شد.

مخاطبین ما در این شماره‌های رهائی توده‌های چپ خواهند بود. و این از چند جهت است. در شرایط و اوضاع فعلی، سطح تماس با توده‌های مردم بسیار محدود است و فعالیت‌های تبلیغاتی

A230

1-3(1)

در این زمینه باید از طرق دیگر انجام گیرد. از جهت دیگر، گذشته نشان داده است که آموزنده، خود باید بیاموزد. مصاد اولیه، بخشی از این آموزش به ما از طریق توده های مردم داده می شود، و بخشی شامل بررسی و مطالعاتی است که از حرکات و تجارب سیاست های گذشته - که خود طبعا مستقل از بخش اول نیست - به دست می آید. توده های مردم به ما گفته اند که برنامه و سیاست هایمان قادر به جلب نظر و راهنمایی آنان نشده است. این وظیفه، ماست که اکنون به گذشته برخورد نقادانه کنیم و نکات و نقاط انحراف را تشخیص داده و تصحیح کنیم. دیالوگ درونی چپ در جهت پالودن ایرادات و اشکالات، پیش شرط قبول موفقیت آمیز آن توسط توده های مردم است. انتشار رهائی ادای سهمی در این وظیفه است. و از آن جا که در گذشته هیچ گاه در شناکردن در خلاف جهت جریان آب، در انتقاد به آن تصورات و جزم هائی که مانند بختک بر چپ ایران سنگینی می کردند، تردیدی به خود نداده ایم، اکنون با اطمینان بیش تری می توانیم در این راه گام برداریم. مشاهده، سردرگمی و ابهامات بخش عظیمی از توده های چپ که سرخورده از آموخته های پر خدشه گذشته و ناتوان از شناخت ریشه های کج روی دچار انفعال و پراکندگی شده اند، این وظیفه را برای همه مبارزین متعهد عاجل تر می کند. ما ایمان داریم که عناصر اولیه کافی و وافسی برای تجربه اندوزی و اعتلای کیفیت چپ، و از آن جا، محتمل تر کردن پیروزی های آن، هم اکنون قابل دسترسی است. این عناصر وجود دارند ولی همراه با پراکندگی سازمان های چپ، پراکنده اند. تجربه هر سازمان و هر جریان تا اندازه زیادی به خود و به گذشته خود محدود می شود. آن نهضت های چپسی که در جهان موفق بوده اند، ضرورتا تجاربی بیش از جمع اشتراکی ما نداشته اند. یکی از دلائل موفقیت آن ها استفاده، بهتر و کاراتر از تجارب بوده است. شماره های آینده، رهائی نوشته هائی است که ما از گذشته خود و سایر سازمان های چپ برداشته ایم و به عنوان عناصری اولیه به جمع اشتراکی، یعنی گل چپ، تقدیم می کنیم.



همان گونه که اشاره شد، در این شماره یک مطلب خواهیم داشت مربوط به وضع اقتصادی رژیم. در این مقاله، صرفا اقتصادی، همان طور که در متن آن نیز اشاره شده، از نتیجه گیری سیاسی خودداری گردیده است، عمدتا به این دلیل که بن بست های وضع اقتصادی رژیم در آن چنان روشن است که خواننده خود به تنهایی می تواند به آن نتیجه گیری ها دست یابد. در این مقاله، که بر اساس آمار و ارقام و فاکت های استخراج شده از منابع خود رژیم تهیه شده، وضع اقتصادی درهم ریخته آن در شش عرصه، مهم اقتصاد دنبال گردیده است. آن چه در طی مقاله حاضر نشان داده شده، این واقعیت است که گرفتاری های اقتصادی رژیم اسلامی، به مراتب وخیم تر از آن چیزی است که معمولا از آن به عنوان بحران اقتصادی نام می برند.

مقاله دیگر، به جنگ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق اختصاص یافته است. در این مقاله جنگ کنونی از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و چشم انداز آینده در آن تصویر شده است. محتوای این مقاله را، در یک شمای کلی، دو صوتیتر آن - "جنگ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق، کی، چگونه و چرا آغاز شد" و "خیرات جنگ و مکافات جنگ" - مشخص می کند. در مورد این مقاله تذکره نکته لازم است. با این که در مورد کلیات مقاله حاضر اختلاف نظری وجود ندارد، ولی در جزئیات، در مورد برخی از مباحث این مقاله، کلیه، رفقا لزوما برداشت ها و ارزیابی های یکسانی ندارند.

در همین جا لازم است به یک نکته اشاره کنیم. در دوره های گذشته، رهائی، مقالاتی که در جزئیات آن ها، این جا و آن جا، توافق همگانی وجود نداشت، با اعضا و سایر مقالات نشریه بدون اعضا منتشر می شدند. از ماه ها قبل از انتشار این شماره، بحثی در سطح سازمانی مطرح شد

که به هنگام انتشار مجدد نشریه کلیه مقالات آن با امضا منتشر شوند، عمدتاً به این دلیل که سنت چاپ مقالات بی امضا، که در نشریات چپ بدون استثنا رواج داشت، یک سنت کمونیستی نیست بل که یک "سنت" استالینیستی است که از آن زمان مستقیماً به ایران راه یافته است. مقالات تمام نشریات سوسیال دموکراسی آلمان و روزنامه "ایسکرا" همواره با امضا بود. وجود مقالات با امضا در آن نشریات ابداً به دلیل وجود "اختلاف نظر" در سوسیال دموکراسی آلمان و حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه نبود، بل که از یک برداشت عمیقاً دموکراتیک و انقلابی نشأت می گرفت. مقالات بدون امضا علاوه بر این که یک شیوه ضد دموکراتیک است - چرا که همواره در یک سازمان، یک یا چند نفر وجود خواهند داشت که نظر خود را در آن مقاله نیابند - مضافاً حتی تفاوت در رنگ آمیزی های یک نظر عمومی را نیز تحویل نمی کند، ابداً به مفهوم اتفاق نظر، انسجام و فقدان اختلاف نظر یا سلیقه در یک سازمان نیست، بل که فقط یک حجاب است که دیر یا زود دریده می شود. نزدیک ترین تجربه، سرنوشت سازمان های چپ ایران است: وجود مقالات همواره به طور یکدست بدون امضا مانع اختلاف نظر های عمیق و انشعابات پی در پی در بین آن ها نشده است. بل که کاملاً برعکس، زمینه ساز آن اختلافات عمیق و انشعابات بوده است.

به هر حال، از این شماره کلیه مقالات رهائی با امضا خواهد بود. اما ما دو نوع مقالات با امضا خواهیم داشت: مقالات با امضا و مقالات با امضای همراه با یک توضیح. نوع اول مقالاتی است که به نظر می رسد که در کلیات و جزئیات آن برداشت های متفاوت وجود نداشته باشد - اما همواره این احتمال وجود دارد که یک یا چند رفیق با آن توافق کامل نداشته باشند و از این حاست فلسفه با امضا بودن این نوع مقالات - و ولی مقالات نوع دوم، برعکس، به نظر می رسد که علی رغم توافق در کلیات، در جزئیات آن، این جا و آن جا، برداشت ها و ارزیابی های متفاوتی وجود داشته باشد. نمونه این دو نوع مقاله با امضا در همین شماره به ترتیب مقاله اقتصادی و مقاله جنک است.\*

## رهائی دوره سوم شماره ۱

از انتشارات: سازمان وحدت کمونیستی

( دوره اول - چهار شماره )

( دوره دوم - یک صد و یازده شماره )